

آیت الله العظمی بروجردی به روایت آیت الله منتظری

به اهتمام: مجتبی لطفی

سرشناسه: منتظری، حسینعلی، ۱۳۰۱ - ۱۳۸۸.
عنوان و نام پدیدآور: آیت‌الله العظمی بروجردی به روایت آیت‌الله منتظری؛

به اهتمام: مجتبی لطفی

مشخصات نشر: تهران، سرای، ۱۳۹۸ ش.

مشخصات ظاهری: ۲۸۲ / شابک: ۸-۱۴-۸۹۲۲-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: بروجردی، حسین، ۱۲۵۳ - ۱۳۴۰ - سرگذشتنامه / Borujerdi, Hosein - Biography

موضوع: بروجردی، حسین، ۱۲۵۳ - ۱۳۴۰ - اسناد و مدارک / Borujerdi, Hosein - Sources

موضوع: مجتهدان و علما - ایران - سرگذشتنامه / Ulama - Iran - Biography

شناسه افزوده: لطفی، مجتبی، ۱۳۴۷ - ، گردآورند.

رده‌بندی کنگره: ۵ / ۱۵۳ BP

رده‌بندی دیویی: ۹۹۸ / ۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۹۹۳۳۴

انتشارات سرایی



آیت‌الله العظمی بروجردی به روایت آیت‌الله منتظری

به اهتمام: مجتبی لطفی

چاپ اول: ۱۳۹۸ ش. / ۱۴۴۰ ق. / ۱۹

صفحه‌آرایی: عباس اختری

طراحی جلد: رضا دولت‌زاده

شمارگان: ۶۰۰ جلد

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

چاپخانه: ولیعصر

تلفکس: ۲۲۵۶۳۴۵۸ (۰۲۱)

همراه: ۹۹۰۳۷۱۲۰۱۸ (+۹۸)

ایمیل: SaraeiPublication@gmail.com

کلیه حقوق چاپ و نشر، محفوظ و مخصوص ناشر است
و هرگونه کپی‌برداری بدون اجازه‌ی ناشر پیگرد قانونی دارد.

فهرست مطالب

مقدمه

۱۱	چرا روایت آیت الله منتظری از آیت الله العظمی بروجردی مهم است؟
	دفتر اول / ۳۱
۳۳	آیت الله العظمی بروجردی ، حضور در حوزه علمیه قم و مرجعیت عامه
۳۳	● اولین آشنایی با آیت الله بروجردی (حوزه) درس آقای بروجردی در بروجرد)
۳۴	● چگونگی ورود و اقامت آیت الله بروجردی به قم
۳۵	نظر آقای خمینی در باره آمدن آیت الله بروجردی به قم
۳۶	واکنش خان‌های خرم‌آباد به ماندن آقای بروجردی در قم
۳۶	● حوزه درسی آیت الله بروجردی در قم
۳۸	آیت الله بروجردی و اصول متورم!
۴۰	لزوم تهذیب علم اصول و توجه به مباحث کاربردی
۴۳	آیت الله بروجردی، روان‌گویی و تکرار در تدریس
۴۴	تاکید آیت الله بروجردی بر نوشتن و تقریر درس‌ها
۴۵	عنایت به رجال احادیث و طبقات رجال
۴۵	اهتمام به اصول و جوامع روایی
۴۶	● ریاست و مرجعیت عامه آیت الله بروجردی پس از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی
۴۸	وجوهای و شهریه پس از آمدن آقای بروجردی به قم

دفتر دوم / ۵۱

۵۳

خدمات آیت‌الله العظمی بروجردی به حوزه های علمیه

۵۳

• تنظیم سندهای کافی، تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه

۵۳

• ابتکار در تنظیم طبقات رجال حدیث

۵۷

• احیای کتب قدما

۶۰

• اهتمام به گردآوری منظم احادیث شیعه (جامع احادیث الشیعه)

۶۳

• تشا «جامع احادیث الشیعه» پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی

۶۵

• همکاری ناتمام با آقای ربانی شیرازی در نگاشتن پاورقی بر وسائل الشیعه

۶۶

• روایات و فقه شیعه حاشیه بر روایات و فقه اهل سنت

۶۶

• اهتمام آیت‌الله بروجردی به اصلاحات حوزه

۶۸

• به سردی گراییدن در رابطه آیت‌الله خمینی و آیت‌الله بروجردی

۷۱

• رسیدگی به مشکلات طلاب و اوقات از وضعیت اخلاقی آنان

۷۲

• تشکل هیأت حاکمه برای رسیدگی به خلفاء روحانیون

۷۳

• توجه آیت‌الله بروجردی به فعالیت های تبلیغی در خارج از کشور

۷۵

• تأسیس مسجد اعظم در قم

۷۷

ضمیمه های دفتر دوم

ضمیمه (۱)

۷۹

• مبانی اجتهادی آیت‌الله العظمی بروجردی

۷۹

• گفتگو با: آیت‌الله العظمی منتظری

ضمیمه (۲)

۱۱۷

• نوشته‌ای از آیت‌الله مطهری در وصف مکتب فقهی و رجالی آیت‌الله العظمی بروجردی

ضمیمه (۳)

۱۲۱

• مکتب فقهی و رجالی آیت‌الله العظمی بروجردی به نقل از آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی

۱۲۱

• فقه تطبیقی از خصوصیات درسی مرحوم آیت‌الله بروجردی

۱۲۲

• خاطره‌ای از فواید روش آقای بروجردی

- ۱۲۵ آقای بروجردی و سبک اجتهاد آزاد
- دفتر سوم / ۱۲۷
- ۱۲۹ سیاست و اجتماع
- ۱۳۱ جایگاه مردمی آیت‌الله بروجردی
- ۱۳۲ حضور آیت‌الله بروجردی در قبرستان شیخان قم
- ۱۳۳ آیت‌الله بروجردی و فدائیان اسلام
- ۱۳۶ گزارش حمایت آیت‌الله خمینی و شهید مطهری از فدائیان به آیت‌الله بروجردی
- ۱۳۸ معجزات شهید مطهری به تهران
- ۱۳۹ تلاش آیت‌الله بروجردی برای جلوگیری از اعدام فدائیان اسلام
- ۱۴۰ اعتراض طلاب نجفیه به سیاست شناختن اسرائیل توسط شاه
- ۱۴۲ آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله کاشانی
- ۱۴۳ کمک آیت‌الله بروجردی به آیت‌الله کاشانی
- ۱۴۴ روابط آیت‌الله منتظری با آیت‌الله کاشانی
- ۱۴۶ مخالفت آیت‌الله بروجردی با کاندیداتوری آیت‌الله منتظری و مطهری در انتخابات مجلس
- ۱۴۸ آیت‌الله بروجردی و اتحاد مسلمانان
- ۱۵۱ پشتیبانی دولت وقت از فعالیت‌های خارج از کشور
- ۱۵۲ گله آیت‌الله بروجردی از منبرهای اختلاف افکن صاحب‌الفتا
- ۱۵۳ حزب توده در زمان آیت‌الله بروجردی
- ۱۵۴ فعالیت‌های دربار علیه دکتر مصدق توسط توده نفتی‌ها
- ۱۵۶ موضع آیت‌الله بروجردی در برابر دولت مصدق و شاه
- ۱۵۸ مخالفت آیت‌الله بروجردی با دولتی شدن حوزه‌ها
- ۱۵۹ لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی پس از آیت‌الله بروجردی و مخالفت با آن
- ۱۶۲ مخالفت آیت‌الله خمینی با اصل رفتارندوم نه لوايح ششگانه
- ۱۶۵ آیت‌الله بروجردی، آخوند خراسانی و انقلاب مشروطه
- ۱۶۶ مخالفت جدی آیت‌الله بروجردی با بهائیت

- ۱۶۹ احضار به دلیل مخالفت با بهائیت
- ۱۷۲ همراهی سایر علما و مراجع با حکم آیت‌الله بروجردی در باره بهاییان
- ۱۷۴ تکمله‌ای درباره دیگر نظرات مرحوم آیت‌الله منتظری در باره بهائیت
- ۱۸۱ ضمیمه‌های دفتر سوم
- (۱) ضمیمه
- ۱۸۳ نامه رئیس الازهر عبدالمجید سلیم به آیت‌الله العظمی بروجردی
- ۱۸۵ پاسخ آیت‌الله العظمی بروجردی به شیخ عبدالمجید سلیم
- ۱۸۶ نامه رئیس الازهر شیخ محمود شلتوت به آیت‌الله العظمی بروجردی
- ۱۸۷ نامه آیت‌الله العظمی بروجردی به سفیر سعودی در ایران
- (۲) ضمیمه
- وحدت اسلام در بخشی از مقاله شهید مطهری با عنوان «مزایا و خدمات مرحوم آیت‌الله بروجردی»
- ۱۸۹
- (۳) ضمیمه
- ۱۹۱ آیت‌الله منتظری و ابتکار هفته وحدت
- ۱۹۱ ۱. اعلام هفته وحدت
- ۱۹۲ نامه به حجت‌الاسلام معادیخواه، وزیر ارشاد رفقا
- ۱۹۴ ۲. پیشنهاد آیت‌الله منتظری برای تأسیس دانشگاه اسلام بر مبنای پنج مذهب
- ۱۹۶ دیدار با گروه «اصلاح طلبان کرد»
- ۱۹۷ دیدار با دو تن از علمای اهل سنت سیستان و بلوچستان
- ۱۹۸ داستانی آموزنده: روضه خوانی در کنار سفارت عثمانی به نقل از خاطرات آیت‌الله منتظری
- ۱۹۹ ۳. استقبال از هفته وحدت
- (۴) ضمیمه
- ۲۰۴ فتوای شیخ محمود شلتوت به روایت آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی
- دفتر چهارم / ۲۰۹
- ۲۰۹ سیره اخلاقی - تربیتی آیت‌الله العظمی بروجردی
- ۲۱۱ ❁ چند خاطره از مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی

۲۱۳	ضمیمه دفتر چهارم
۲۱۵	تساهل و مدارای آیت‌الله العظمی بروجردی
	دفتر پنجم / ۲۱۹
۲۲۱	آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله منتظری
۲۲۱	❁ تقریر درس‌های آیت‌الله بروجردی
۲۲۵	سبک تقریر درس‌ها و ماجرای چاپ «نهایة‌الاصول»
۲۲۸	❁ مخالفه آیت‌الله بروجردی با تدریس فلسفه و تلاش آقای منتظری بر ادامه آن
۲۳۲	نکته‌ای درباره مکتب «مشهد» و «تدریس فلسفه»
۲۳۴	❁ سفرهای تبلیغی اعزام از سوی آیت‌الله بروجردی
۲۳۶	❁ اعزام برای نذر بهائیت
۲۳۷	تفتین علیه اینجانب در آیت‌الله بروجردی
۲۳۹	❁ نمایندگی آیت‌الله بروجردی در نجف‌آباد
۲۴۱	ملاقات با دکتر اقبال (نخست‌ور) در نجف‌آباد
۲۴۳	نقل سه خواب درباره آیت‌الله العظمی بروجردی
۲۴۴	❁ عنایت ویژه آیت‌الله العظمی بروجردی به آیت‌الله منتظری، به روایت دیگران
۲۵۳	ضمیمه دفتر پنجم
۲۵۵	مسأله دست دادن با زنان و دیدگاه آیت‌الله العظمی بروجردی
	دفتر ششم / ۲۵۹
۲۶۱	وفات آیت‌الله العظمی بروجردی و تشییع مرجعیت
۲۶۱	❁ وفات آیت‌الله العظمی بروجردی و عزاداری چهل روزه مردم
۲۶۲	عکس‌العمل شاه در پی درگذشت آیت‌الله بروجردی
۲۶۳	❁ تعدد مرجعیت پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی
۲۶۶	ترویج مرجعیت آیت‌الله خمینی
۲۶۹	فهرست‌ها
۲۷۱	منابع
۲۷۵	اشخاص
281	اماکن

مقدمه

چرا روایت ایت الله منتظری از آیت الله العظمی بروجردی مهم است؟ در جستجوی ساده به ویژه در فضای مجازی، روایتگران بسیاری را می یابیم که مستقیم یا غیرمستقیم در بیان آیت الله العظمی سیدحسین طباطبائی بروجردی را درک کرده و ماحصل مشاهده و تحقیق خویش را تحریر کرده اند؛ ولی از میان آنان، روایت آیت الله حاج شیخ حسینعلی منتظری از استاد بزرگوارش به دلایلی چند، برجستگی دارد:

یکم: حاج آقا حسین بروجردی با آمدنش به قزوین که چگونگی آمدن وی خود ماجرای دارد [علاوه بر اهتمام به شیوه سلف، به اصلاحات و نیز دست زد و به علوم فقهی، رجالی و حدیثی جان تازه بخشید و سبک نویی را بنا کرد. در مکتب تطبیق که تا زمان زندگانی شیخ طوسی و نگارش کتاب «خلاف» رواج و رونق یافت، رسم متعارف در مجامع شیعی، پرداختن به بابی و فتاوی اهل سنت نیز بود؛ چنین روشی که نقش مؤثری در طریق استنباط احکام شرعی در زمان غیبت داشت؛ پس از مدتی افت کرد و گویا به کلی به فراموشی سپرده شد تا جایی که کتاب خلاف شیخ طوسی خریدار نداشت و ذکر مطالب مملو از تطبیق، کم تر مرسوم بود؛ اما با مرجعیت عامه حاج آقا حسین بروجردی در حوزه های علمیه ایران، کتاب خلاف شیخ، دوباره جان تازه گرفت و به دستور وی بارها تجدید چاپ شد. مرحوم آقای بروجردی به بیان و طرح مبانی فقهی و فتاوی اهل سنت اکتفا نکرد؛

بلکه به احیای روایات رسیده از طرق راویان سنی نیز اهتمام ورزید بدین گونه که افزون بر ذکر آنان در خلال تدریس، دستور داد در حاشیه کتاب جامع احادیث شیعه روایات سنی متناسب با روایات شیعی، درج شود. در مکتب تطبیق، آقای بروجردی، نگاه به صدور و دوره زمانی روایت و فتوا داشت و درباره روایات معتقد بود: باتوجه به ساختار حکومتی زمان امامان شیعه که در قبضه قدرت بنی‌امیه و بنی‌عباس بود، راویان سنی در نقل حدیث آزاد بودند؛ ولی امامان و راویان شیعی از چنان آزادی برخوردار نبودند؛ از این رو، روایات شیعی در موارد بسیار در قالب پرسش‌هایی از سوی شیعیان طرح می‌شد و روایات شیعی، ناظر بر آنان بوده است و گاهی از ابتدا نیز اگر حکمی از امامان ذکر می‌شد، بازهم نگاهی به فتوای مبتنی بر روایات رایج [روایات اهل سنت] برده است.

با فهم شرایط زمانه، توجه به حکمت، زمینه و حتی منطقه صدور روایت، بهتر می‌توان با استناد به این گونه از روایات، دست به اجتهاد و فتوا زد. آنچه درباره روایات اهل سنت گفته شد، درباره فتاوی مبانی فقهی اهل سنت نیز کاربرد دارد؛ زیرا فقه رواج‌یافته از سوی خلفای زمان، فقه رایج سنیان بود و در مناصبی، چون قضاوت نیز از آنان بهره برده می‌شد و امامان و عالمان شیعی در اقلیت و هم در انزوای سیاسی علمی به سر می‌بردند؛ بنابراین، مرحوم بروجردی اعتقاد داشت که افزون بر روایات، فقه ما نیز حاشیه بر فقه اهل سنت است. در امام علیه السلام هنگامی که حکمی را در پاسخ به پرسشی، یا ابتدأً صادر و بیان می‌کرد، گاهی به فقه رایج داشته است؛ از این رو، فهم بهتر روایات و فقه اهل سنت در فهم روایت و فقه ما نقش به‌سزایی دارد.

مرحوم بروجردی در عملی کردن چنین نظریه و مکتبی در مجامع علمی، گذشته از روتق‌بخشیدن طرح نظرات علمی امامان اهل سنت [چنانچه در پیش اشاره شد] هنگامی که دستور گردآوری کتابی بانام جامع احادیث شیعه را می‌داد، نیز فرمان می‌دهد روایات سنی را در ذیل و حاشیه روایات شیعی درج کنند. چنین دستور و

طرحی، اگرچه با ملاحظاتِی از ناحیه ایشان ناتمام ماند؛ ولی خود نشان از اهتمام سیدبروجردی به این امر داشت، اما ناتمام ماند؛ زیرا خرده می‌گرفتند که چرا به راویان سنی اهتمام ورزیده می‌شود!

پس از وفات سید بروجردی در جایگاه زعیم بزرگ حوزه، چه کسی و چه کسانی این راه را ادامه دادند؟

گرچه جرسته‌وگریخته و نامنسجم، چنین روشی در برهه‌ای از زمان ادامه یافت؛ اما به جرأت می‌توان تنها از آشیخ حسینعلی منتظری نام برد که به تعبیر مرحوم شیخ نعمت‌الله صالحی نجف آبادی، روش تدریس وی «یادگار مکتب فقهی آیت‌الله بروجردی است». با روشی، آیت‌الله منتظری در تدریس خود در کنار روایات، مبانی و نظرات فقهی شیعی، روایات مبانی و فتاوی سنی را نیز بیان می‌کرد تا در فهم و استنباط از روایات و فقه شیعی موفقیات بیشتری به دست آید.

فهم زمانه صدور روایت از جهت دیگر نیز اهمیت دارد: اگر جستجوگری از منطقه‌ای خاص و در زمان خاص، پرسشی کرده و پاسخی دریافت کرده است؛ چنانچه درباره قرآن، به شأن صدور و نزول قائل هستیم، درباره فهم روایت نیز باید به چنین روشی قائل شویم. مرحوم بروجردی با ریشه‌یابی روایات، به مرحوم منتظری می‌آموزد تا برخی از روایات، مانند روایات مذمت زنان، را ردانمند بنامد یا در پیرامان احتکار، تنها به چند روایتی که هست، بسنده نشود و توجیه و تفسیر این است که این‌گونه روایات در زمانی صادر شده‌اند که قوت و مایحتاج عمده مردم آن زمان، همانی بود که روایات برشمرده‌اند و احتکار چنان مایحتاجی را حرام دانسته است. درحقیقت، فهم ملاک و مناط حکم صادرشده در روایت، به مجتهد یاد می‌دهد که آن را عصری یا غیر عصری دانسته و در اقل یا اکثر آن، حکمت و علت حکم را به دست آورد. آیت‌الله منتظری، معتقد بود مایحتاج امروزی بشر مانند دارو، لاستیک، برنج و... نیز مشمول حکم حرمت احتکاراند یا درباره خرید و فروش خون، اگر روایت و

فتوا در باب حرمت آن است، نشأت گرفته از زمانه صدور است؛ زیرا در زمان صدور، خون، به‌جز برای خوردن، مصرف حلال رایج دیگری نداشت و فایده حلالی برای آن متصور نبود؛ اما، اگر در دورانی، چون زمان امروز، از خون برای احیای جان انسان یا منفعت حلال دیگر، بهره برده شود، شایسته و بایسته نیست با جمود بر ظاهر عموماً، روایت و نص، حکم حرمت بر خرید و فروش آن صادر کرد.

دوم: سنت به‌گونه عام آن، یکی از دو یادگار ارزشمندی است که بنابر حدیث متواتر بیان فریقین که به «ثقلین» معروف و مشهور است، از پیامبر، برای پس از او به‌جای مانده است.

مرحوم بروجردی معتقد بود در طرح مباحث اصولی اعتباری، به‌جز موضوعاتی که برگرفته از سیره و سنت است، وقت جداگانه گذاشتن برای مباحث اجتهادی در این حیطه، موجب تورم مباحث اصلی می‌شود. ایشان اعتقاد داشت که مباحث اصولی به‌مثابه ابزاری اعتباری و ارتکازی را امر عرفی، در جایی مهم می‌شوند که در چگونگی استنباط، کاربرد داشته باشند؛ رعین حال، وی معتقد بود که ذکر تاریخچه و یادآوری مباحث اصولی، گرچه گاهی ضرورت به طرح آن نیست؛ اما به‌عنوان بحثی تاریخی، پردازش آن فایده‌مند است، مانند بحث بماء و عبید در فقه که فعلاً کاربرد عملی ندارند و منسوخ شده‌اند و هم لزومی ندارد در خلال مباحث عمومی اصلی و ابواب، به آن پرداخته شود. اما در حیطه تاریخی ذکر آن منجبت است به‌ویژه در زمانه‌ای که نیازهای گوناگون مستحدثه‌ای وجود دارد که نیاز به ژرف‌اندیشی بسیار از سوی فقیهان دارد.

در همین زمینه، مرحوم آیت‌الله منتظری نیز در طول حیات فقاقت خود، تنها در تقریر مباحث اصولی مختصری از مرحوم بروجردی را ارائه می‌داد و تدریس بحث خارج از اصول فقه از سوی وی، به‌گونه‌ای مجزا مگر مختصر، وجود نداشت؛ اما به‌فراخور نیاز، به‌گونه‌ای مباحث کاربردی را در خلال مباحث فقهی، طرح می‌کرد که

اگر گفته شود او در درس خود غوغا به پا می کرد، گرافه گویی نیست.

مباحث پراکنده اصولی در خلال مباحث فقهی وی ازسوی شاگردان گردآوری و با نام «مجمع الفوائد» یشتمل علی مسائل اصولیه و قواعد فقهیه» به زیور طبع آراسته شده است. مرحوم منتظری، باورمند بود که به مباحث اولیه علم اصول، مانند مبحث الفاظ، بسیار پرداخته می شود و موجبات هدررفت انرژی مفید طلاب را فراهم می کند؛ ولی به مباحث مهم و کاربردی، مانند تعادل و تراجیح که در پایان کتب اصولی آمده، پنداندن توجهی نمی شود.

سوم: اهتمام به بیان رجال و فقه الحدیث از ملزومات اهمیت به روایت به عنوان یکی از مهمات ادله اربعه در برابر تمرکز در مباحث اصولی است.

همان گونه که پیش از این آمد، نزد مرحوم بروجردی، ریشه یابی، زمان و زمینه صدور روایت از اهمیت ویرای برخوردار بود و مراجعه به تاریخچه روایات سنّیان و شیعیان، و دقت و نظر در آنها در سعه الحدیث اهتمام می ورزید و چنان توجه و اهمتامی را وارد مکتب فقهی حوزه کرد که تا پیش از آن بسیار کمرنگ شده بود.

قرآن و حدیث دومتنی هستند که به عنوان این دو مهم دین و آموزه های نقلی آن به شمار می آید و به اعتقاد فقیهان، یکی قطعی الصدور و ظنی الدلالت و دیگری ظنی الصدور و قطعی الدلالت است. فهم و تفسیر هر دو متن از منظر طی دوره ها و مقدمات و به کارگیری آن ها گرچه در یک اندازه نیست؛ اما به نظر می رسد فهم عمیق سنت کمتر از فهم آیات کتاب که محتوی بطون و تأویل و تفسیرهای گوناگون است، نیست. فهم قرآن به مانند دیگر کتب آسمانی و به عنوان متن دین، برای همگان، شدنی نیست و تخصص خاص خود را می طلبد و به مفسر نیاز دارد. شیعیان، بهترین مفسران قرآن را، امامان شیعه می دانند که به زمان و زبان صدور وحی نیز نزدیک تراند. مهم دیگر، اطلاعات تاریخی و فهم زمانه صدور است تا شأن نزول آیات از آن دریافت شود و بتوان هر آیه را مطابق آن تفسیر کرد. بر این اساس روایات رسیده از امامان

از منابع فهم شأن و زمینه صدور آیات قرآن است؛ اما نکته مهم، چگونگی دسترسی به چنین روایت‌هاست. به بیان دیگر مشکل بزرگ‌تر این است که با سپری شدن زمانه صدور طی قرون متمادی و دست‌به‌دست شدن روایات و نقل قول‌ها، نمی‌توان به‌ضرس قاطع گفت که فلان روایت در فهم و تفسیر قرآن از ناحیه امام صادر شده است؛ بنابراین و باین وصف، فهم و تفسیر قرآن با روایت - تفسیر مأثور - دچار مشکل می‌شود. ازسوی دیگر، در عمل به ارکان و فروع، استفاده از روایت، برای استخراج و انطباق احکام و قواعد فقهی ازسوی فقیهان برای عمل مکلفین، ضرورتی اساسی است. بدین جهت که متشرعان به دنبال آنند تا تکالیف خویش را برابر اعتباری که شارع مقدس واجب یا حرام یا مستحب یا مباح دانسته است، انجام دهند. متشرعان، برای رسیدن به حجت یقینی یا ظنی [که یا خود شارع بدان رسمیت داده یا شارع، بنای عقلا را بر آن قرار داده است] احتیاج دارند. براساس عقیده شیعی، تا زمان حضور پیامبر و امامان، می‌توان مستقیماً به آنان یا وکلا و رابط‌های آنان رجوع و به حجت یقینی رسید و دریافت که آن‌ها فلان تکلیف با فلان کمیت و کیفیت رنگ تنجز به خود گرفته است؛ اما مشکل جایی پیدا می‌آید که دسترسی مستقیم به منبع وحی یا حتی با کمترین واسطه [اصحاب خاص یا عامان دوران]، وجود ندارد که از جمله زمان غیبت این مشکل جدی‌تر پدید می‌آید.

از چند سطر گذشته روشن می‌شود که مهم‌ترین دغدغه‌خاطر، اتصال روایت به پیامبر ﷺ یا امام علیّه است و سلسله‌اسنادی که در اوایل روایات وجود دارد، برای همین ذکر می‌شود و علم رجال متکلف بررسی شخصیت راویان از جهات عدیده است: وثاقت و عدالت، ضبط، مذهب.

نکته مهم دیگر علاوه بر این، اتصال سلسله‌سند به گوینده اولیه و شنونده از منبع اصلی است. اگر در این بین یک یا بیشتر از سلسله راویان سقط شده باشد روایت به لحاظ اصطلاحی، مرسل به‌شمار می‌آید. به راستی،

برای فهم چنین مهمی، چه فرمول و روش‌هایی وجود دارد؟

در میان روش‌های موجود، مرحوم سیدبروجردی با نگاهی به طبقه‌بندی احادیث که قبلاً در میان اهل سنت صورت گرفته بود، راهی را بنیان می‌گذارد و راویان را [به لحاظ تاریخ حیات و حضور در هر طبقه تا رسیدن به زمان امام علیه السلام] مشخص کرده و معتقد بود اگر در سلسله سندی، یک راوی از باب مثال در طبقه سوم قرار داشت؛ اما کسی که از وی نقل روایت کرده، طبقه پنجم بوده است، معلوم می‌شود که در این بین به سبب به لحاظ مسلسل بودن راویان، صورت گرفته است؛ مگر این که براساس همان فرمول مشخص شود یک راوی چنان عمرش طولانی بوده که طبقه سوم، چهارم و پنجم را دربر گرفته است که در این صورت در سه طبقه از سوم تا پنجم قرار می‌گیرد. باتوجه به توضیحات ارائه شده، مرحوم بروجردی، طبقات رجال را با معیار هر طبقه ۳۰ سال، به رسته‌های دربر می‌آورد. وی طبقات را از زمان پیامبر تا زمان شیخ مفید به ۱۲ طبقه، سپس طبقات عامانه که به نقل حدیث از زمان شیخ مفید تا زمان شیوخ از اساتید خویش دست یازیدند را به ۳۶ طبقه می‌رساند. [فهرست طبقات با تصحیح در کلماتی توسط آیت‌الله منتظری در بیان کتاب الصلاة وی منتشر شده است].

اهمیت دیگر الگوگیری مرحوم منتظری از استاد عالی‌قدر خود [آیت‌الله بروجردی]، همین را بس که وی در میان عالمان عصر خوش، چنین روش به یادگار مانده از مرحوم بروجردی را ادامه می‌داد و خود نیز جزوه مختصر نوشته و سر درس در اختیار شاگردان گذاشته بود که در آن، افراد شاخص و مهم هر طبقه در آن درج شده بود و در عین حال در بررسی سند حدیث از بررسی طبقات رجال غافل نبود و با وسواس بدان توجه می‌کرد.

چهارم: جوامع اولیه، جوامع ثانویه و جوامع مرتبه سوم، واژه‌های تخصصی در تقسیم‌بندی دائرةالمعارف روایی شیعی است که از جمله مرحوم بروجردی در ادبیات

حوزوی به کار می‌برد: جوامع اولیه: مانند جامع بزنطی احمد بن محمد بن ابی نصر و علی بن حکم الکوفی که زمان امام معصوم را درک کرده‌اند؛ و جوامع ثانویه: تهذیب [طوسی]، استبصار [طوسی]، کافی [کلینی] و من لایحضره الفقیه [صدوق]؛ و وسائل الشیعه [حرّعاملی]، وافی [فیض کاشانی] و بحار الانوار [مجلسی] در رتبه جوامع سوم روایی قرار دارند. مرحوم بروجردی به جوامع ثانویه اهتمام نشان می‌داد؛ زیرا نزد مشایخ و اساتید خویش اجازه نقل روایت از جوامع اولیه داشتند. مراجعه به جوامع اولیه تا به آخر، از این روی اهمیت دارد که فقیه نیاز دارد تا گاهی، به واسطه تقطیع موضوع و فهرست‌بندی‌هایی که مطابق سلیقه دائرةالمعارف‌نویس انجام شده است، با مراجعه به جوامع ماقبل، به اصل روایت، مذاقه‌نظر کند چه رسد به اینکه، گاهی در سبب استساخ از جوامع اولیه تا آنچه دست ماست، سقطی نیز رخ داده باشد؛ البته جوامع اولیه، مستیماً در دسترس ما نیستند؛ اما جوامع ثانویه به‌بعد، در دسترس بوده‌اند و مراجعه به منبع اصلی که صدر و ذیل روایت در آن حذف نشده باشد، در بسیاری موارد، امکان فهم روایت را فراهم می‌کند.

آنچه آمد به این دلیل است تا از منش تدریس مرحوم استاد منتظری در این باره نیز ذکر خیری شده باشد. استاد در بسیاری، تنها به نقل روایات در کتاب وسائل الشیعه اکتفا نمی‌کرد؛ بلکه به جوامع ثانویه نیز مراجعه می‌کرد تا به سبب صدور و ذیل روایت یا بخشی از آن، اگر حذف شده است را نیز ملاحظه کند.

پنجم: از مباحث دیگر مکتب فقهی آیت‌الله بروجردی که بی‌شک با روایات هم نیست، اهتمام به اقوال قدمای از اصحاب معصومان است که در کتبی مانند: مقنعة [مفید]، مقنع و هدایه [صدوق]، انتصار و ناصریه [سید مرتضی علم‌الهدی]، جواهر [قاضی ابن براج]، اشاره [حلبی]، مراسم [سلار یا سالار ابن عبدالعزیز]، نهاية [طوسی]، النهایة و نکتها [جعفر بن سعید حلی]، غنیه [ابن زهره]، وسیلة [علی بن حمزه طوسی] و الرسالة [موسوی خوانساری] آمده است. در این باره، مرحوم بروجردی گزاره‌ای را

بانام «اصول متعلقات از معصومین» به حوزه اندیشه فقه افزون کرده بود. در این باره شاگرد وی مرحوم آیت الله منتظری توضیح می دهد: «استاد بزرگوار ما مرحوم آیت الله العظمی بروجردی [طاب ثراه] بارها می فرمودند مسائلی که در فقه شیعه امامیه عنوان گردیده به دو گونه است: ۱. مسائل بنیادین و اصلی که از ائمه معصومین علیهم السلام به دست ما رسیده است؛ ۲. مسائل فرعی که فقهای ما از مسائل اصلی، استنباط و استخراج کرده اند. فقهای پیشین ما در تألیفات فقهی خویش فقط مسائل قسم اول، می نوشته و نقل می کرده اند و در نقل حتی به آوردن عین الفاظ روایات دقت و محافظت داشتند تا تغییری در مفهوم آن ایجاد نگردد؛ به گونه ای که اگر کسی کتاب های آن ها را از نظر می گذرانید می پنداشت که به طور کلی این ها اهل اجتهاد و نظر نبوده و تا آخرین از متقدمین تقلید می کرده اند. در این باره می توان کتاب هایی، همانند مقنع و هدایه و الفقه شیخ صدوق و مقنعه شیخ مفید و رسائل علم الهدی و نهایت شیخ طوسی و براسه سلار و کافی ابی الصلاح و مهذب ابن براج و سایر کتاب هایی از این قبیل را از نظر گذرانید. این سیره همواره در بین فقهای شیعه تا زمان مرحوم شیخ طوسی ادامه داشت، است تا این که مرحوم شیخ در کتاب مبسوط خویش گام هایی را در جهت گسترش و بیان مسائل تفریعی فقه برداشت. مرحوم شیخ در مقدمه همین کتاب مبسوط، مطالبی دارد که خلاصه آن این گونه است: «استمرار این سیره در بین اصحاب ما به گونه ای بوده که سبب طعنه مخالفین ما گردیده و بدین سبب، پیوسته فقه اصحاب ما را مورد تحقیر قرار می داده اند با این که تمام آنچه آنان در کتاب های خویش متذکر شده اند در اخبار و روایات ما موجود می باشد و تمام آن فروعی که با آن کتاب های خویش را انباشته اند اصول آن در کتاب های ما موجود است و فروع را نیز از آنها می توان استخراج و استنباط نمود، البته نه به شیوه قیاس و من از دیرزمان در صدد بوده ام کتابی که مشتمل بر این فروع باشد، تألیف کنم؛ اما مشکلات و عواملی، پیوسته مرا از انجام

آن باز می‌داشته است. من در گذشته کتاب نهاییه را نوشته و در آن تمامی آنچه صاحبان در تألیفات خویش از مسائل اصولی آورده بودند درج کردم و در خاتمه آن نیز مختصری از جمله‌های عقود اسلامی را آوردم و همان‌جا وعده دادم که کتابی در خصوص فروع تألیف نمایم و در آن مسائل استنباطی و فرعی فقه را مطرح کنم؛ اما، بعداً ملاحظه کردم که درج فروع بدون اصول چیزی است ناقص و فهم آن، برای خوانندگان مشکل [است] چراکه فهم فروع، بدون ضبط اصول، امکان‌پذیر نیست؛ اما از تصمیم خود منصرف شده و به تألیف این کتاب پرداختم که در آن مطالب اصولی پیش‌بینان به همراه فروعی که از آنها استخراج می‌گردد به صورت باب باب و دسته‌بندی شده، ذکر گردیده است. در این کتاب تمام تلاش خود را به کار گرفتم و فروع و مسائل فقهی مختلف و اکثر آنچه را که مخالفان مطرح نموده بودند آوردم و...» (مقدمه کتاب مبسوط)... مرحوم شیخ طوسی رحمته‌الله کتاب نهاییه را بر مبنای اصحاب برای بیان اصول و مسائل تألیف نموده و کتاب مبسوط را به‌طور عمده، برای بیان مسائل استنباطی و فروعی بنابرین، اگر ادعای اجماع یا شهرتی در کتاب‌های اصلی که در نقل کلام معصومین دقت داشته‌اند بیان گردید، می‌توان گفت این اجماع یا شهرت ادعا شده، حاکی از قول معصوم است و حجیت شرعی دارد؛ اما ادعای اجماع در مسائل تفریعی مستنبطه، مفید حجیت نیست چراکه ادعای اجماع در آنها نظیر اجماع در مسائل عقلی است و نزد ما امامیه صرف اجماع و اتفاق، موضوعیت ندارد؛ بلکه اجماعی حجیت است که کاشف از قول معصوم علیه‌السلام باشد.» (نک: منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۹؛ دراسات فی المکاسب‌المحرمة، ج ۱، ص ۱۸۳).

ذکر فتاوی بزرگان فقه، چه از قدما و پس از آنان، چه از معاصران، به‌نظر، مدرسه تجربه‌اندوزی خوبی برای فقه و اجتهاد مستمر، مهیا و ایجاد می‌کند که سوگمندان در زمانه کنونی به‌چنین روشی کمتر توجه و عمل می‌شود؛ گرچه یادگار مبرز فقهی

مرحوم بروجردی، مرحوم منتظری تا پایان عمر که رمق تدریس داشت [تا پایان تدریس آخرین کتاب خود دروس فی المکاسب المحرمة که در خلال آن به حصر خانگی افتاد و از ادامه آن باز ماند] بیشتر اقوال قدما تا معاصرین را در قالب روش بحث خویش مطرح و درعین حال آنان را نقد و بررسی می‌کرد.

ششم: مرحوم بروجردی پس از رجعت از اصفهان و نجف و عزیمت به بروجرد، کرسی دروس عالی خویش را ادامه داد. شرکت‌کنندگان درس او با پروتکل خاصی و هریک مناسبت سن و سابقه حضور در درس، جای مخصوصی در جلسه درس داشتند به گونه‌ای که اگر تازه‌واردی به‌خاطر ندانستن قانون کلاس، جای کسی می‌نشست، مجبور بود تا پایان درس، نگاه‌های سنگین و تلخ پیرامون خود را تحمل کند.

شیخ حسینعلی منتظری دوازده بار، برای دیدار با مرحوم آیت‌الله بروجردی به شهر بروجرد سفر کرد: یک‌بار با مرضی مطهری دوست، هم مباحثه و هم‌کلاسی خود و بار دیگر به‌تنهایی که سفر دوم ۱۰ روز به‌درازا کشید و در آن مدت در کلاس درس مرحوم بروجردی حاضر می‌شد.

درس استاد بروجردی چند مقرر مخصوص داشت و مرحوم بروجردی پس از آمدن به قم، به‌خاطر این‌که درس‌هایش در بروجرد همین‌نویس ماند، و تقریرنویسان درس‌ها را می‌نوشتند بارها از آنان به‌نیک‌ی یاد می‌کرد. پس از آمدن سید بروجردی از مسیر تهران به قم، علماء و اعضای از بیوت مراجع تقلید به‌شرف وی رفتند. اتوبوسی که آقای منتظری در آن بود از سوی شیخ مرتضی حائری پسر مؤسس حوزه، آشیخ عبدالکریم حائری، تهیه شده بود. سید بروجردی وقتی از اتوبوس پیاده شد، شیخ حسینعلی را که دید وی را شناخت. پس از آغاز تدریس آقای بروجردی، در میان نویسندگان [تقریرنویسان] دروس بروجردی، شیخ حسینعلی، جایگاه ویژه‌ای داشت؛ زیرا از حافظه خوبی برخوردار است، روان [آسان] نویس بود و اگر اشکالی یا نظری هم به‌نظرش می‌رسید در حاشیه تقریر خویش می‌نوشت. مهم‌تر این‌که

شیخ حسینعلی، مبنای استاد بروجردی را به‌خوبی هضم می‌کرد. نوشتن وی، چنین نبود که قلم در دست گرفته و کلمه‌به‌کلمه سخنان استاد را بنویسد؛ بلکه پس از گذشت چندین هفته یا یک یا دو ماه می‌نشست و مطالب درس استاد را با ریزینی می‌نوشت: از نه‌ایة‌الاصول گرفته تا البدرالزاهر و کتاب الغصب و الوصیة و الشرکة و کتاب الصلاة.

گاهی مرحوم بروجردی، فرعی را در تدریس آغاز می‌کرد؛ اما آقای منتظری باتوجه به نوشته‌های خود از درس‌های گذشته، استاد را یادآور می‌شد که چنین فرعی، پیش از این بیان شده است. مرحوم بروجردی علی‌رغم این‌که کتاب‌هایی نوشته بود؛ اما به‌دلیل وسواس خاصی که در مباحث علمی داشت و چه‌بسا، به‌خاطر ملاحظه خرده‌گیری، از بوی حوزة نجف، تا زنده بود اجازه چاپ و نشر نوشته‌های خود را نداد؛ ولی مانع چاپ و نشر مکتوبات دیگران از درس‌های خود، مانند درس نوشته‌های شیخ حسینعلی نمی‌شد.

اولین کتاب تقریرشده و نشریافته مرحوم بروجردی مباحث اصول ایشان به قلم شیخ حسینعلی بود. وی جزوه‌های نوشته‌شده را جدا جدا آماده می‌کرد و به استاد خود می‌داد تا استاد ببیند و نظر دهد تا به‌نهایی برسد.

استاد ما مرحوم منتظری، به نوشتن و انتقال اندیشه‌ها و خاطرات و تجربیات خویش به آیندگان بسیار سفارش می‌کرد و می‌گفت: «این‌ها را حتماً ننکند، غصه نخورید که ممکن است ایراد داشته باشد، جز کلام خدا و معصومین، مابقی، ایراد دارد و از محسنات نوشته‌های شما، [این است که] دیگران می‌توانند بهره‌بردار و تبادل نظر و فکر صورت گیرد». گرچه دروس عالی‌هاشان مقرران بسیاری داشت؛ اما خود با خط خویش تا پاسی از شب درس فردا را نوشته و در اختیار شاگردان قرار می‌داد، چیزی که در سابقه درسی کمتر مرجعی مرسوم بود.

نیاز به یادآوری است که روش تدریس استاد منتظری، چون استاد مرحوم

بروجردی، بر پایه روان‌گویی و ساده‌گویی و پرهیز از مغلق‌گویی رایج در برخی دروس عالی حوزوی بود. روشن است درسی که آسان بیان شود، نشان از تحلیل عالمانه و مدافعه‌نظر درس ازسوی استاد و مدرس آن دارد؛ هرچند عکس آن در فرهنگ بعضی حاکم است و پیچیده‌گویی و سنگین‌بیانی را نشانه سواد بالا می‌دانند! درحالی‌که در بیشتر اوقات، آنچه در پیچیده‌گویی می‌آید، از محتوای بایسته و شایسته تهی است. مرحوم شیخ حسینعلی، ضمن توصیف آیت‌الله بروجردی به گفتاری روان و ساده‌گویی که البته تکرار زیادی هم داشت، خود نیز مباحث را چنان ساده بیان می‌کرد که گویی درس‌ها به‌همین سادگی است و فهم آن، ویژه‌ای از هوش نمی‌خواهد؛ اما وقتی، پس از درس به منابع و مصادر و حتی جزوه خود ایشان مراجعه می‌شد آشکار بود که بن‌مایه درس استاد، چقدر سخت بوده است؛ ولی استاد آن را به آسان، تبیین کرده است. چنین روشی، تنها در مکتب فقهی استاد منتظری به‌کار می‌رفت؛ بلکه استاد مرحوم در حوزه‌های گوناگون کلامی، فلسفی، تفسیر کتاب و سنت و روش سیاسی‌اجتماعی و بیان اندیشه در هر حوزه از پیچیدگی‌های معمول به‌دور بود. گرچه برخی را به اشتباه فاحش انداخت که این مسلک را از ساده‌گویی به ساده‌انگیزی تعبیر کنند!

هفتم: گذشته از مسلک و مرام و مکتب علمی، منش مرحوم بروجردی در حوزه سیاست و اجتماع نیز دارای دقت‌نظر ویژه‌ای است؛ از این رو، روایت مردم منتظری از مسلک استاد خود بسیار با اهمیت است.

از میان کنش‌ها و واکنش‌ها و حرکت‌های مذهبی علیه رژیم شاه، آن دسته که ریشه در حوزه علمیه قم داشت، می‌توان از فداییان اسلام نام برد. در زاویه‌داشتن نگاه مرحوم بروجردی با اصل سلطنت یا برخی برنامه‌های شاه، بسته‌وگریخته، گزارش‌هایی شده است، چه مخالفت‌های ضمنی و چه مخالفت‌های آشکار. با این‌که رژیم نیز از آیت‌الله بروجردی حساب می‌برد؛ اما وی معتقد بود که هر حرکت

اصلاحی، باید پس از آماده‌سازی زمینه و محیط رخ دهد تا به نتیجه مطلوب برسد؛ وگرنه نتیجه مطلوبی در پی نخواهد داشت. آیت‌الله بروجردی، به‌دو جهت، نگاهی منفی و انتقادی به حرکات انقلابی و تندروی‌های گروه فداییان اسلام به‌رهبری نواب صفوی داشت: ۱. وی باورمند بود که با تندروی و براندازی نمی‌توان به‌جایی رسید؛ ۲. برهم‌زدن نظم و برنامه حوزه علمیه خط قرمز است.

مرحوم منتظری، گرچه خود با اصل اهداف و مقاصد فداییان، اظهار موافقت می‌کرد، اما معتقد بود سازماندهی طلاب جوان بدون جلب نظر بزرگان حوزه و کسانی که از آنان به عقلای قوم نام می‌برد، کاری بی‌نتیجه است. مرحوم منتظری خود نیز از مخالفان آیت‌الله خمینی و مرتضی مطهری نیز با تندروی‌های آن گروه خبر داده بود.

در چند سطر گذشته آمد که مرحوم بروجردی به‌طور ضمنی یا کنایه‌ای با سلطنت مخالفت خویش را بیان می‌کرد؛ از این‌رو می‌توان گفت: هنگامی که شاه فهمید آیت‌الله بروجردی با اصلاحات ارضی مخالف است، شاه طی پیغامی گفته بود کاری که من می‌خواهم انجام دهم در دنیا مسموم است. آیت‌الله در پاسخ گفته بود: در دنیا سلطنت نیز به دموکراسی تبدیل شده است چرا به آن رسم، نمی‌پردازید؟!

نکته دیگر در این بخش، بهائیت در زمانه سید الشهدا است؛ بهائیت نه از آن جهت که دین واقعی باشد در مخالفت شدید قرار گرفته است، بلکه از آن جهت در ایران سرکوب شد که مدعیان و پیروان آن، بهائیت را اسلام واقعی دانستند و علاوه بر نبوت، به مهدویت دیگری که در پی خود احکام جدیدی را ابداع کرده بود، باورمنداند. عالمان و برخی حاکمان متأثر از آنان، چنین مسلکی را انحراف از دین اسلام و پیامبر ﷺ می‌دانند. در سلوک اجتماعی آیت‌الله بروجردی مخالفت و مبارزه منفی با بهائیت به‌خوبی نمایان است. یکی از شاگردان مهم آقای بروجردی که به مبانی عقیدتی بهائیت آشنایی داشت و بارها با پیروان آن بساط مناظره را چیده بود،

شیخ حسینعلی منتظری بود؛ بنابراین مرحوم بروجردی، برای مبارزه و نقد فرهنگی بهائیان، مرحوم منتظری را به مناطق مختلف کشور اعزام می‌کرد. وجه اشتراک مرحومان بروجردی و منتظری این است که هر دو با برخوردهای خشن و فیزیکی که باعث بی‌نظمی گردد مخالف بودند. منتظری به‌ویژه هنگام اقامت در نجف‌آباد، گرچه مردم را به ترک مراوده با آنان فرا می‌خواند؛ اما هیچ گزارش خشونت‌آمیزی از این شهر که از مراکز مهم تجمع آنان بود، علیه آنان نرسیده است؛ درحالی‌که در شهرهای دیگر، گزارش‌هایی از درگیری‌های خونین میان مسلمانان و بهائیان به‌گوش می‌رسید. ناگفته نماند که مرحوم شیخ حسینعلی با تعمق بیشتر بر مبانی حقوق انسان، فارغ از ایده و مذهب، معتقد بود و فتوا داد که اگرچه دو مسلک بابت و بهائیت به دلیل نفی خاتمیت و مهدویت مهدی (عج) منکر ضروری دین هستند؛ اما از حقوق شهروندی برخوردارند؛ زیرا یک کشور یک مسأله همه مردم آن سرزمین است.

هشتم: قبلاً از اهمیت دادن مرحوم بروجردی در نقل حدیث و فتاوی‌ای اهل سنت و حکمت آن سخن به میان آمد؛ اما افزون بر داشتن چنان روش و مسلک فقهی و علمی، در منش سیاسی اجتماعی خود نیز به مهم‌ترین زیاده‌های جهان اسلام؛ یعنی تقریب و وحدت، عنایت خاصی داشت. اکنون تا از هفته وحدت یا موضوع تقریب، سخن به میان می‌آید، برای مردم چند مراسم کلیشه‌ای به ذهن تبادر می‌کنند؛ اما با این‌که در زمان زندگانی مرحوم بروجردی، امکانات رسانه‌ای و بودجه‌های کمی بود که اگر از آن زمان، ترویج وحدت و تقریب ادامه می‌یافت، بیشترین فایده، برای جهان اسلام و توسعه آن را در پی داشت. سوگمندانه باید اعتراف کرد که اختلافات تاریخی و کلامی میان مسلمانان به‌ویژه دو فرقه اصلی، انرژی بسیاری را که می‌توانست صرف توسعه فکری و سرزمینی شود، به باد داد.

پیشینه اندیشه تقریب، در دایره خود، نام بروجردی را در جایگاه ویژه‌ای قرار داد. حمایت از اندیشه‌ورزان تقریب، اقدامات عملی خویش، حرام دانستن اقدامات تفرقه‌افکنانه

از سوی برخی از شیعیان، در کنار ذکر مبانی و روایات اهل سنت در حوزه علمیه، از اقدامات مرحوم بروجردی است. مرحوم بروجردی معتقد بود، بحث خلافت، بحثی تاریخی است و فعلاً پرداختن به آن اگر مضر نباشد، باری از مشکلات ما را هم نمی‌کاهد. آنچه امروز اهمیت دارد، این است که سرچشمه اتصال احکام الهی به شارع حکیم از کدام مجرا باید باشد از ابوحنیفه، اوزاعی یا جعفر بن محمد؟

آیا می‌توان با مراجعه به فقهای که متصل به وحی نبوده‌اند چون ابوحنیفه و اوزاعی، مطمئن بود که فتاوی‌ای داده‌شده متصل به سرچشمه وحی است و می‌توان با عمل به چنان آموزه‌ها، فایده یافت و حجت را تمام شده فرض کرد و گفت تکلیف انجام شد؟ مرحوم بروجردی در گفت‌وگو بر اساس صدور حدیث متواتر ثقلین در واقعه غدیر از سوی پیامبر ﷺ، سنت در کنار قرآن، منیع تمسک مردم، برای گمراه‌نشدن است و باید طی مباحث تخصصی به برهه دست گذاشته شود و مراد از مصادیق سنت مشخص گردد. فعالیت‌های تقریبی مرحوم سید بروجردی آثار بسیاری در میان مسلمانان آن برهه گذاشت که با مطالعه متن این مجموعه، دیگر مجموعه‌های مفصل، بهتر بدان پی برده می‌شود از جمله، فتوای معروف شیخ الازهر، شیخ محمد سلطوت است که با صدور فتوایی بی‌سابقه عمل به فقه شیعه را به رسمیت می‌شناسد.

پس از چندین دهه، نمی‌توان ابتکار اعلام هفته وحدت، که در دهه ۶۰ خورشیدی از سوی آقای منتظری اعلام و از سوی شیعه و سنی از آن استقبال شد، متأثر از استادش سید بروجردی ندانست. مرحوم منتظری بیش از ۵/۵ سال از عمر خویش را در تبعید به سر برد و برخی از مناطق تبعیدی وی محل زندگی اهل سنت بود. تفکر وحدت و تقریب منتظری به‌اضافه دیگر خصوصیات شخصیتی وی، مانند تواضع و بی‌آلایشی، باعث ایجاد رابطه و برادری میان چنین روحانی برجسته حوزه شیعه با عالمان و مردم اهل سنت آن مناطق شد.

پس از انقلاب ۵۷، اقدامات عملی منتظری در باب تقریب و وحدت و دفاع از

حقوق اهل سنت و... تا حدودی در این مجموعه آمده است.

نهم: با حضور مرحوم بروجردی در قم، تقریباً اجماعی برای زعامت واحد بر حوزه ازسوی مراجع وقت شکل گرفت. بی‌شک اهمیت حضور شاگردان خاص، خود، بزرگترین معرف، برای نوع تدریس و مدرس آن است. حوزه تدریس مرحوم بروجردی تا جایی دارای اهمیت است که آیات، گلبایگانی و محقق داماد که خود کرسی درس داشتند در آن شرکت می‌کردند. برخی چون مرحوم آیت‌الله خمینی هم که خود کرسی درس خارج به اصول داشت به‌همراه شاگردان خویش، مانند منتظری و مطهری در درس سیدبروجردی حضور می‌یافتند. درمیان شاگردان مرحوم بروجردی، افراد شاخصی چون آشیخ حسینعلی حسینی وجود داشتند که مورد عنایت خاص و امید ایشان بوده‌اند. این ادعا به‌جز در خارج از خود آیت‌الله منتظری، نشانه‌های بسیاری در خاطرات و گفتار دیگران نیز دارد. مرحوم منتظری اما در خاطرات خویش چندان شفاف به این موضوع نمی‌پردازد. وی معتقد بود اعتباری که به تعریف و تمجید در خلال یک یا چندنامه یا جمله بیاید، با همان‌ها هم می‌رود؛ اما یک نشانه مهم در نامه‌ای که مرحوم بروجردی نوشت وجود دارد که در آن تعبیر «معظم‌اله» را برای شاگرد خود، آشیخ حسینعلی به‌کار برده است.

آنچه نوشته شد، برای آن است تا به جایگاه خاص مرحوم منتظری نزد آیت‌الله بروجردی، فقط اشاره‌ای باشد؛ زیرا این جایگاه، چنان مهم به‌چشم می‌آید که گاه، زمینه حسادت اطرافیان آقای بروجردی را فراهم می‌کرد. علاقه متقابل آقای منتظری به آیت‌الله بروجردی نیز بر کسی پوشیده نیست. منتظری گاه به‌خاطر مکدرنشدن خاطر استادش، حتی جلسه‌ای که آیت‌الله کاشانی و دکتر بقائی در آن حاضر بودند را ترک می‌کند یا جایی که به‌وی پیشنهاد کاندیداتوری مجلس داده می‌شود به‌دلیل مخالفت مرحوم بروجردی، از خیرش می‌گذرد؛ زیرا پیش از آن، سیدبروجردی به‌وی و مطهری گفته بود: حیف است شما از حوزه بیرون رفته و وارد سیاست شوید.